

تحلیل لایه‌ای سطوح تقابل میان ایران و آمریکا و راهبردها

یحیی فوزی^۱، محمد محمودی کیا^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۸

چکیده:

مسئله این پژوهش چرایی تداوم چالش بین ایران و آمریکا با استفاده از رویکرد تفکر انتقادی و تحلیل لایه‌ای علت‌ها بوده و تلاش کرده تا به این سؤالات پاسخ دهد که چالش ایران و آمریکا از چه لایه‌هایی برخوردار است و چه عواملی در هر لایه بر این چالش تأثیرگذار بوده‌اند و چگونه در هر لایه می‌توان این چالش‌ها را مدیریت و یا کاهش داد؟

روش مطالعه روشی ترکیبی شامل روش‌های توصیفی و تحلیل مضمون و روش استنتاجی است که به ترتیب برای تبیین علل در لایه‌های مختلف استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد: علل چالش بین ایران و آمریکا را در سطح رویین و قابل مشاهده از یکسو در اقدامات و از سوی دیگر در سیاست‌های اعلامی طرفین ریشه دارد. در لایه دوم علل عینی مؤثر بر چالش (همچون منافع طرفین و یا بازیگران دیگر در این چالش و یا مؤلفه‌های قدرت) و یا علل ذهنی مانند (تصورسازی‌های ذهنی از یکدیگر) با اهمیت می‌باشند و در سطح سوم این چالش تحت تأثیر دو نوع گفتمان و جهان‌نگری متفاوت از سوی آمریکا و ایران یعنی تلاش برای تحقق رؤیای بزرگ آمریکایی در جهان و آرمان استقلال‌طلبی و مقابله با سلطه‌طلبی از سوی ایران است و در نهایت در عمیق‌ترین سطح علل دو اسطوره مهم یعنی استثنایی‌گرایی آمریکایی و رسالت انقلابی ایران نقش مهمی در تداوم این چالش دارند که می‌توان متناسب با هر لایه راهبردهایی را برای کاهش، مدیریت یا رفع چالش‌ها ارائه داد.

واژگان اصلی:

ایران، آمریکا، تحلیل لایه‌ای علت‌ها، چالش‌ها و راهبردها

^۱ استاد تمام علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

yahyafozi@yahoo.com

^۲ استادیار گروه اندیشه سیاسی در اسلام، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران

mahmoodikia@ri-khomeini.ac.ir

۱- مقدمه

چالش ایران و آمریکا چالشی مستمر طی چهار دهه بعد از انقلاب اسلامی در ایران بوده است که به دلیل جایگاه ابرقدرتی آمریکا در نظام بین‌الملل، تداوم این چالش تأثیرات مختلفی بر حوزه‌های مختلف مخصوصاً در عرصه‌های اقتصادی و امنیتی ایران برجای گذاشته و مطالعه آن به عنوان یک مسئله پژوهشی کاربردی همواره مد نظر پژوهشگران حوزه روابط بین‌الملل و علوم سیاسی بوده است که با رویکردهای مختلفی به بررسی چرایی، ابعاد و پیامدهای آن پرداخته‌اند. اما علی‌رغم این پژوهش‌ها، به دلیل اهمیت و پیچیدگی ابعاد موضوع هنوز به عنوان یک مسئله پژوهشی مهم قابل مطالعه است. و لذا در این مقاله تلاش گردیده تا با رویکردی جامع مبتنی بر توجه به لایه‌های مختلف این پدیده سیاسی - انسانی به مطالعه چرایی تداوم این چالش بپردازیم تا بتوان تصویری واقع‌گرایانه‌تر از این چالش طولانی و راهبردها برای کاهش آن ارائه داد. لذا سؤال این پژوهش این است که: چالش ایران و آمریکا از چه لایه‌هایی برخوردار است و چه عواملی در هر لایه بر این چالش تأثیرگذار بوده‌اند و چگونه در هر لایه می‌توان این چالش‌ها را مدیریت و یا کاهش داد؟

۲- رویکرد نظری

برای تحلیل جامع‌تری از پدیده‌های انسانی با توجه به ماهیت چندوجهی آن‌ها می‌بایست ضمن دوری از تقلیل‌گرایی و تک بعدی نگریستن به پدیده‌ها، به سطوح و لایه‌های مختلف واقعیت توجه کرد که این مناقشه به عنوان یک پدیده انسانی در عرصه بین‌المللی نیز دارای لایه‌های مختلفی می‌باشد که برای ارائه راهبرد برای حل آن باید ابتدا فهم جامع‌تری از لایه‌های مختلف آن بدست آورد تا بتوان مبتنی بر این فهم جامع، راهکارهای مناسب برای چگونگی حل آن و شناسایی ابعاد قابل حل و ابعاد هویتی و غیر قابل حل را ارائه داد. بر این اساس این پژوهش مبتنی بر رویکرد تحلیلی لایه‌ای انجام شده است. این رویکرد متعلق به سنت آینده‌پژوهی انتقادی است و توسط سهیل عنایت‌الله^۱، آینده‌پژوه پاکستانی - استرالیایی ابداع شد؛ هرچند تحلیل لایه‌ای علت‌ها، گاهاً به‌عنوان یک روش آینده‌پژوهی

¹ Causal Layered Analysis (CLA)

² Sohail Inayatullah

مطرح می‌شود، یک رویکرد تفکری است که محصول پسااستخارگرای است. در این رویکرد به‌عنوان یک رویکرد ساختارشکن از محقق می‌خواهد که برای تبیین و تحلیل واقعیات موجود هر چه می‌تواند به خارج از سطح اولیه علل نظام‌مند بیان‌دیشد تا بتواند سناریوها و راهبردهای خلاقانه‌تر و ژرف‌تری را برای حل مسائل و چالش‌ها ارائه کند (Inayatullah, 2004: 16).

در این رویکرد تحلیل واقعیت اجتماعی و سیاسی نیازمند تحلیل لایه‌های مختلف مؤثر بر آن است که این لایه‌ها در چهار سطح تعریف می‌شوند که در مقایسه با تحلیل تک لایه‌ای یا دو لایه‌ای، رهیافت ژرف‌تری به مسائل دارد و از سطحی‌نگری عبور کرده و به تحلیل علل و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری واقعیت‌ها می‌پردازد در این راستا اولاً با نگاهی چندوجهی مبتنی بر لایه‌های مختلف شکل‌دهنده واقعیت، به تبیین واقع بینانه‌تری از مسئله چالش‌ها بین ایران و آمریکا و چرایی شکل‌گیری و مسئله شدن آن را ارائه کنیم و با فرارفتن از سطح و تعیین روابط بین علت‌های ریشه‌ای مختلف مسئله، به رمزگشایی از حال و گذشته این چالش‌ها پردازیم تا بتوان با شناسایی ظرفیت‌ها، سناریوهای مختلف برون‌رفت از این وضعیت را مطالعه کرده، زمینه را برای طرح راهبردهایی جهت خلق آینده‌های بدیل برای وضعیت موجود فراهم سازیم و تحلیل هر لایه می‌تواند ضمن تحلیل از واقعیت از منظر خاص و ارائه راهبردهای متناسب اقتضائات آن لایه، در نهایت یک بسته تحلیل سیاسی کامل را در خصوص واقعیت موجود ارائه دهد که حاوی سیاست‌ها و اقدامات کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت است. بر این اساس تحلیل چهار لایه‌ای علت‌ها، صورت‌بندی جدیدی از واقعیت‌ها و روندهای موجود بر این اساس سطوح مختلف آن واقعیت ارائه می‌دهد که توجه به هر سطح می‌تواند راه‌حل‌ها و آینده‌های جدیدی را برای محققان ارائه می‌نماید (Inayatullah, 2004: 17).

۲- روش پژوهش

روش پژوهش در لایه‌های مختلف متفاوت است که می‌توان آن را روشی ترکیبی نامید که شامل روش‌های توصیفی و تحلیل مضمون و روش استنتاجی می‌شود که به ترتیب برای تبیین علل در لایه‌های مختلف استفاده شده است.

۳- پیشینه پژوهشی و وجه نوآورانه تحقیق

در مورد موضوع مورد مطالعه این تحقیق یعنی ریشه‌های چالش ایران و آمریکا مقالات و تحقیقات

پرتعدادی وجود دارد و هر یک از محققان از منظری به این مسئله پرداخته‌اند. برخی به نقش علل تاریخی، برخی به ریشه‌های سیاسی و ژئوپلیتیک، برخی به نقش تضاد منافع این دو در خاورمیانه، و برخی نیز به نقش بازیگران و دیگر نیروهای دخیل و مؤثر بر سرشت تخصصی روابط ایران و آمریکا تأکید داشته‌اند. که در این مقاله مجموعه این سوابق مورد بررسی قرار گرفته و یافته‌های آن‌ها در جدولی که در ادامه خواهد آمد بررسی خواهد شد؛ لذا به منظور جلوگیری از تکرار مطالب از بیان آن‌ها در این بخش خودداری شده است. اما باید گفت که در پژوهش‌های موجود، استفاده از روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها و در نتیجه، تلاش برای جامعیت و پوشش طیف مختلفی از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تداوم وضعیت چالش فی ما بین ایران و آمریکا، می‌تواند وجه نوآورانه این تحقیق محسوب شود.

۴- چرایی پیدایش و تداوم وضعیت تعارض در روابط ایران و آمریکا با بهره‌گیری از روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها

۴-۱- علل مشهود چالش در سطح لیتانی و روئین

چنانچه اشاره شد سطح لیتانی بیرونی‌ترین سطح تحلیل بوده و به علل و زمینه‌های عینی و مشاهده‌پذیر در بروز و تداوم چالش فی ما بین ایران و آمریکا است که در چند دهه گذشته همواره بصورت واقعیتهای آشکار دارد و عرصه اعلامی و اقدامی در جریان بوده است.

در عرصه اقدامی، در چهار دهه گذشته شاهد اقدامات مختلفی به صورت مشهود از سوی ایران و آمریکا می‌باشیم که نتیجه آن‌ها نشان‌دهنده تداوم چالش‌ها بوده است و می‌توان آن‌ها را به شرح زیر تیتربندی کرد:

- در آستانه پیروزی انقلاب تلاش‌هایی برای تداوم رابطه ایران و آمریکا از سوی دو طرف شکل گرفت و حتی تماس‌هایی بین شورای انقلاب و نمایندگان از آمریکا انجام شد که در آن‌ها ایرانیان خواستار عدم دخالت آمریکا و عدم پشتیبانی از شاه از سوی دولت آمریکا شدند.

- آمریکا نیز که در شرایط دشواری قرار داشت تلاش کرد تا همزمان با کنترل بحران با انقلابیون نیز تماس‌هایی برقرار کند تا در صورت سرنگونی رژیم شاه بتواند روابط مناسبی با نیروهای پیروز انقلاب داشته باشد.

-امام خمینی نیز تأکید کرد که: «اگر چنانچه دولت آمریکا دست از پشتیبانی شاه بردارد و دست از دخالت در مملکت ما بکشد و ما را به حال خود بگذارد، با او روابط حسنه خواهیم داشت» و تأکید کرد که: «ما خواهان قطع روابط نیستیم، بلکه خواستار روابط عادلانه و برابر و احترام متقابل می‌باشیم».

-آمریکا نیز بعد از پیروزی انقلاب، چند اقدام موازی را برای اعاده نفوذ خود در ایران آغاز کرد؛ از یکسو، با به رسمیت شناختن انقلاب ایران در همان روزهای نخستین انقلاب، تلاش واقع‌بینانه‌ای را در برخورد با انقلاب ایران شروع کرد و تماس با برخی عناصر در شورای انقلاب و دولت موقت که مخالفت جدی با ادامه روابط ایران و آمریکا نداشتند و یا از آن طرفداری می‌کردند را افزایش داد.

-از سوی دیگر، آمریکا در یک عملیات پنهانی به منظور اعاده وضع پیشین، تلاش گسترده‌ای را برای تضعیف حاکمیت نیروهای انقلابی بر کشور و شکست انقلاب آغاز کرد.

-یکی از نقاط عطف در روابط دو کشور اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان در ایران بود که آن‌ها با انتشار اسنادی بر تلاش گسترده آمریکا در ماه‌های بعد از انقلاب برای بی‌ثباتی ایران تأکید داشتند که این اسناد فضای بدبینی نسبت به آمریکا را به شدت تشدید کرد.

بعد از این تحولات روابط ایران و آمریکا وارد مرحله تازه‌ای شده که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- انجام طیفی از اقدامات از سوی آمریکا همچون استفاده از میانجی، تحریم اقتصادی، فشارهای سیاسی و استفاده از قطعنامه‌های سازمان ملل، ترغیب عراق در حمله به ایران، تلاش برای کودتا در ایران و انجام عملیات برای نجات گروگان‌ها.

- تلاش دولت آمریکا برای ترغیب عراق به جنگ علیه ایران به‌عنوان ابزاری برای تعدیل رفتار سیاسی ایران، تضعیف ایران و بازگرداندن این کشور به روابط قبلی خود با آمریکا (با توجه به وابستگی نظامی ایران به آمریکا).

- استراتژی دولت ریگان مبنی بر حمایت از عراق و برقراری توازن در جنگ و حمله آمریکا به سکوه‌های نفتی ایران.

- حمله آمریکا به هواپیمای مسافربری ایرباس ایران که با شلیک دو فروند موشک از رزم‌ناو آمریکایی وینسنس مستقر در خلیج فارس.

- طرح این ادعا که ایران در حال تولید سلاح‌های کشتار جمعی بوده و دست از حمایت از تروریسم برداشته است؛ همین‌طور اصلی‌ترین مخالف روند صلح اعراب و اسرائیل است و همچنان حقوق بشر را زیر پا می‌گذارد توسط دولت بوش پدر.
 - اعمال «سیاست مهار دوجانبه» توسط دولت کلبیتون و نیز اعمال طرح داماتو مبنی بر ممنوعیت همه‌گونه معامله تجاری بین ایران و آمریکا.
 - متهم کردن ایران به حمایت از تروریسم و تلاش برای به دست آوردن سلاح اتمی و نقض حقوق بشر.
 - «محور شرارت» خواندن ایران در کنار کره شمالی و عراق توسط بوش پسر.
 - تلاش برای توافقنامه برنامه جامع اقدام مشترک موسوم به برجام در دوره ریاست جمهوری باراک اوباما و تعلیق برخی از تحریم‌های ضد ایرانی.
 - اعمال گسترده‌ترین تحریم‌ها علیه ایران در دوران ترامپ که به نام «مادر تحریم‌ها» معروف شد و خروج آمریکا از برجام
 - تهدید نسبت به حمله نظامی به ایران در ماه‌ها و هفته‌های پایانی دولت دونالد ترامپ.
 - تلاش آمریکا برای احیا مجدد برجام و کنترل فعالیت‌های هسته‌ای ایران
- اما در کنار اقدامات در جریان مذکور دو طرف نیز به تشریح سیاست‌های اعلامی و صریح خود در مقابل طرف دیگر پرداخته و دیگری را دشمن خود دانسته‌اند از یکسو در عرصه اعلامی، اسناد بالادستی ایالات متحده در قالب انتشار گزارش‌های سالیانه دکترین امنیت ملی این کشور که تا کنون در ۱۷ مورد منتشر شده است، تصریحات قابل توجهی در خصوص منافع ملی آمریکا^۱ در خاورمیانه دارد که مواجهه با انقلاب اسلامی ایران و محدودسازی قدرت کنش‌گری جمهوری اسلامی ایران یکی از ارکان این راهبردهاست.
- از سوی دیگر رهبران جمهوری اسلامی ایران نیز به تدریج و به دنبال اقدامات میدانی آمریکا،

^۱ منافع مورد اشاره از متن اسناد امنیت ملی ایالات متحده آمریکا برگرفته شده است. فایل تمام متن این اسناد از طریق <http://history.defence.gov/historical-sources/national-security-strategy/> - وزارت دفاع آمریکا به نشانی - security-strategy/ قابل دسترس است.

گفتمانی چالشی با آمریکا را آغاز کردند و تجربه تعامل دو طرف در سال اول انقلاب، که بر تجربه تاریخی مداخلات آمریکا در قبل از انقلاب اضافه شده بود موجب شد تا وجه مقابله با آمریکا وجه غالب گفتمانی در بین رهبران ایران گردد و خوشبینی‌های اولیه تغییر کند به طوری که امام خمینی آمریکا را «جنایتکار تاریخ»، «ام الفساد»، «شیطان بزرگ»، «جهان‌خوار»، «دشمن کینه‌توز مستضعفین جهان»، «دشمن شماره اول بشر»، «دشمن اسلام» و «چپاولگر بین‌المللی» دانست و رابطه ایران و آمریکا را رابطه گرگ و میش ذکر کرد و از قطع این روابط ابراز خوشحالی کرد و تسخیر سفارت آمریکا را انقلاب دوم نامید.

در سال‌های بعد این نوع گفتمان و جهان‌بینی نسبت به آمریکا در سخنان رهبری بعدی جمهوری اسلامی آیت‌الله خامنه‌ای، تداوم یافت و حتی شدیدتر شد. آیت‌الله خامنه‌ای منش و ذات و رفتار دولت ایالات متحده‌ی آمریکا را مداخله‌گری و سلطه‌گری می‌داند و معتقد است که آمریکا دشمن انقلاب است، ذات نظام سلطه اقتضا می‌کند که با نظامی مثل نظام جمهوری اسلامی دشمن باشد. ایشان رسالت انقلاب اسلامی را مبارزه با سلطه‌طلبی استکبار می‌داند.

در مجموع این مجموعه اقدامات و اعلان مواضع از سوی طرفین که در سطح کاملاً مشهود انجام گردید طی چهار دهه گذشته فضای چالشی آشکاری را بین طرفین شکل داد که هر چند در ظاهر نتایج مجموعه‌ای از اقدامات طرفین است، اما از بنیادهای چالش‌زای عمیق‌تری برخوردار است که در ادامه به این عوامل در سطوح عمیق‌تر خواهیم پرداخت.

۴-۲- تبیین تجربی علل در سطح عمیق‌تر چالش

برای فهم دقیق‌تری از علل تداوم چالش، محققان و کارشناسان عمدتاً دانشگاهی به تبیین علل تجربی در لایه‌های عمیق‌تر همچون علل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌پردازند و در آن‌ها عمدتاً علل عینی مؤثر بر چالش (همچون منافع طرفین و یا بازیگران دیگر در این چالش و یا مؤلفه‌های قدرت) و یا علل ذهنی مانند (تصورسازی‌های ذهنی از یکدیگر) توجه کرده و مبتنی بر این علل به تحلیل چالش می‌پردازند. در این راستا، پژوهش‌های آکادمیک مختلفی در ایران در خصوص علل این چالش انجام شده که در یک جستجو از بانک‌های اطلاعاتی فارسی‌زبان تعداد ۹۷ مقاله عنوان شده است که در بررسی این مقالات بر اساس اهداف پژوهش و کیفیت مجلات و مقالات تعداد ۴۲ مقاله

انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند و مضامین محوری آنها در پاسخ به سؤالات پژوهش به شرح ذیل است:

مقولات	مضامین محوری یافته‌ها	یافته‌های پژوهش‌ها در تحلیل علل چالش‌ها
عوامل چالش معطوف به اقدامات آمریکا	دکترین آمریکا برای حفظ جایگاه هژمونیک در سطح جهان	منطق کنش ایالات متحده آمریکا در جهان (رویکرد هژمون‌طلبی آمریکا) (ذاکریان و مهدوی‌پور، ۱۳۹۵) سیاست آمریکا برای کسب جایگاه هژمونیک در سطح جهان (واعظی، ۱۳۸۹) همراهی چین در حوزه سیاست‌های اعمالی در مسائل کلیدی امنیت بین‌المللی (سجادپور و شریعتی، ۱۳۹۰) وابستگی روزافزون چین به منابع انرژی خلیج فارس (موسوی و خدایی، ۱۳۹۵)
	تلاش آمریکا برای ایجاد نظم نوین در خاورمیانه براساس حفظ منافع و قدرت خود در منطقه حفظ انرژی به‌عنوان عامل قدرت غرب جلوگیری از نفوذ چین در منطقه خلیج فارس	تلاش برای ایجاد زمینه وابستگی متقابل امنیتی در خاورمیانه از طریق بحران‌سازی و عدم توازن قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه (متقی، ۱۳۹۰) تلاش آمریکا برای تغییر در ترتیبات امنیتی در منطقه خاورمیانه (توتی و کریمی، ۱۳۹۷) سیاست بازدارندگی آمریکا در چارچوب استقرار سپر دفاع موشکی در منطقه، فروش سلاح به اعراب منطقه و صدور قطعنامه‌های سریالی در شورای امنیت سازمان ملل متحد (دل‌اورپور و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۷) استقلال سیاست خارجی ایران از محرک‌های بیرونی و تکیه آن بر پویایی‌های داخلی (سیمبر، ۱۳۸۹) نقش انرژی (اخباری و همکاران، ۱۳۹۰)
	تهدیدانگاری ایران انقلابی از سوی	تعارض برآمده از الگوهای برآمده از انقلاب اسلامی با فضای هنجاری آمریکا (سرخیل و خزعلی، ۱۳۹۶)

<p>آمریکا نقش ایستارهای ذهنی تصمیم‌گیران در تهدیدانگاری از ایران نقش رسانه‌ها در تهدیدانگاری ایران</p>	<p>تهدیدانگاری آمریکا از جمهوری اسلامی ایران (سرخیل و خزعلی، ۱۳۹۶) تفاوت‌های ایدئولوژیک بین اسلام و غرب (آرین‌منش و همکاران، ۱۳۹۷) تضادهای ایدئولوژیک و منازعات و رقابت‌های استراتژیک بین ایران و آمریکا (اسدی، ۱۳۹۳) نقش ایستارهای ذهنی تصمیم‌گیران و نگرش ژئوپلیتیکی آمریکا نسبت به حوزه‌های مختلف جغرافیایی تأثیر نگرش‌ها و گرایش‌های اجتماعی (سلیمی، ۱۳۸۸) نقش رسانه‌ها در برسازگی تصویر مخدوش از رفتار و اهداف سیاست خارجی ایران (فرقانی و مودن، ۱۳۹۴)</p>
<p>تلاش آمریکا برای مهار قدرت و نفوذ ایران در منطقه ممانعت از دستیابی ایران به عناصر برهم زننده توازن قدرت در منطقه اقدامات پیش‌دستانه و خصمانه آمریکا علیه ایران استفاده همزمان از ابزارهای سخت و دیپلماسی برای رسیدن به اهداف</p>	<p>تلاش آمریکا برای مهار قدرت و نفوذ ایران در منطقه و در سطح نظام بین‌الملل (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۸۷) تلاش آمریکا برای مهار قدرتیابی ایران در حوزه گفت‌وگویی در تحولات پس از بهار عربی (جمشیدی، ۱۳۹۱) سیاست مقابله‌جویانه آمریکا برای مهار دولت انقلابی (مشیرزاده و جعفری، ۱۳۹۱) ممانعت از قدرت‌یابی ایران در دوره پسا برجام (اسلامی و نقدی، ۱۳۹۵) اقدامات آمریکا علیه ایران و تلاش این کشور برای تغییر نظام سیاسی در ایران (محمدی، ۱۳۹۳) سیاست خصمانه آمریکا علیه ایران همچون اعمال تحریم‌های ملی، اقتصادی، دفاعی و نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران (اسلامی و نقدی، ۱۳۹۵) راهبرد خصمانه آمریکا علیه ایران همچون موازنه‌سازی، جنگ، طعمه‌گذاری و آتش‌باری معرکه (عبدخدایی و</p>

		<p>رحیمی نژاد، ۱۳۹۷) بهره‌گیری آمریکا از شاخصه‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری علیه جمهوری اسلامی ایران (نظری و همکاران، ۱۳۹۵) سیاست خارجی تهاجمی آمریکا علیه ایران (اعجازی و همکاران، ۱۳۹۷) ممانعت از تسهیل زمینه‌های تسلط ایران در منطقه (اسلامی و نقدی، ۱۳۹۵) استفاده آمریکا از دیپلماسی اجبارآمیز (امینیان و همکاران، ۱۳۹۱)</p> <p>اقدامات آمریکا علیه ایران و تلاش این کشور برای تغییر نظام سیاسی در ایران (محمدی، ۱۳۹۳)</p> <p>سیاست خصمانه آمریکا علیه ایران همچون اعمال تحریم‌های ملی، اقتصادی، دفاعی و نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران (اسلامی و نقدی، ۱۳۹۵) راهبرد خصمانه آمریکا علیه ایران همچون موازنه‌سازی، جنگ، طعمه‌گذاری و آتش‌بباری معرکه (عبدخدایی و رحیمی نژاد، ۱۳۹۷) بهره‌گیری آمریکا از شاخصه‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری علیه جمهوری اسلامی ایران (نظری و همکاران، ۱۳۹۵) سیاست خارجی تهاجمی آمریکا علیه ایران (اعجازی و همکاران، ۱۳۹۷) استفاده آمریکا از دیپلماسی اجبارآمیز (امینیان و همکاران، ۱۳۹۱)</p>
	<p>نقش نهادهای مختلف داخلی آمریکا در تشدید منازعه</p>	<p>نقش بنیان‌های درونی همچون کنگره آمریکا در اتخاذ این رویکرد (اعجازی و همکاران، ۱۳۹۷)</p> <p>نقش کنگره آمریکا در اتخاذ دیپلماسی تهاجمی و مداخله‌گرایانه آمریکا علیه ایران (دلاورپور و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۷) نقش نهادهای داخلی ایالات متحده</p>

		همچون دیوان داوری دعاوی ایران و آمریکا (مافی، ۱۳۸۷)
عوامل چالش معطوف به اقدامات ایران	تهدیدانگاری ایران از آمریکا با توجه به اقدامات تاریخی خصمانه	اشغال سفارت آمریکا، تهدید متحدان آمریکا در منطقه توسط ایران، شعارهای آمریکا ستیز ایران، ریشه‌های فکری، تاریخی، سیاسی (سبزیان و موسوی، ۱۳۸۸) عوامل تاریخی، جغرافیایی و موضوعاتی همچون تروریسم، حقوق بشر و تضادهای ایدئولوژیک (آرین منش و همکاران، ۱۳۹۷) رویکرد اسرائیل ستیزانه ایران (منصوری)، ریشه‌های تاریخی، ژئوپلیتیک، سیاسی و فرهنگی (علیزاده، ۱۳۸۸)
	تلاش ایران برای تقویت قدرت منطقه	نفوذ ایران در عراق و یمن و لبنان، حمایت از حزب‌الله حمایت ایران از محور مقاومت، روابط استراتژیک ایران و سوریه در منطقه (لطفی و همکاران، ۱۳۹۶)
	برنامه هسته‌ای ایران	برنامه هسته‌ای ایران (سلطانی‌نژاد و شاپوری، ۱۳۹۲) طرح دعاوی در خصوص اهداف غیرصلح‌آمیز ایران در برنامه هسته‌ای خود (منصوری، ۱۳۸۸)
	رویکردهای خاص ایران در مدیریت بحران	نقش الگوهای مدیریتی در ایران در تداوم منازعات فی‌مابین (احمدیان و همکاران، ۱۳۹۸)
عوامل چالش معطوف به اقدامات طرف‌های ثالث	نقش اسرائیل در سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران و تأمین منافع اسرائیل در منطقه (اسلامی و نقدی، ۱۳۹۵) نقش اسرائیل در شکل‌گیری فضای تخاصمی موجود (موسوی‌فر، ۱۳۹۵) رفتار دوگانه غرب در مواجهه با پرونده هسته‌ای ایران و	

	اسرائیل (ترکاشوند و مرادی، ۱۳۹۰)
نقش کشورهای منطقه خلیج فارس در سیاست خصمانه علیه ایران (لطفیان) نقش عربستان سعودی در شکل‌گیری و تداوم سیاست‌های تهاجمی علیه ایران (بهرامی مقدم، ۱۳۹۷)	نقش کشورهای منطقه خلیج فارس در سیاست خصمانه علیه ایران
نقش نهادهای بین‌المللی در وضعیت بحرانی (سلطانی‌نژاد و شاپوری، ۱۳۹۲)	نقش نهادهای بین‌المللی در وضعیت بحرانی

بر اساس جدول بالا به طور کلی، علل چالش‌ها را می‌توان در سه مقوله طبقه‌بندی کرد؛ اول، پژوهش‌هایی که علل چالش را به سیاست‌های سلطه‌گرانه و منافع آمریکا و یا نوع تصویر ذهنی و تاریخی آن‌ها نسبت به ایران منتسب دانسته‌اند؛ در مقابل، دسته دوم به نقش عوامل داخلی در ایران بهای بیشتری می‌دهند و علت تشدید چالش‌ها را برخی از اقدامات و منافع و رویکردها و تصورات ذهنی رهبران ایران از غرب دانسته‌اند و مقوله سوم، مجموعه عللی است که معطوف به اقدامات طرف‌های ثالث و به خصوص عربستان و اسرائیل و منافع آن‌ها می‌باشد.

۴-۳- علل عمیق‌تر چالش: تقابل جهان‌بینی‌ها و گفتمان‌ها

سطح سوم تحلیل علی چالش‌ها را باید در لایه‌های زیرین و در سطح جهان‌بینی، گفتمان‌ها و آرمان‌های بنیادین جستجو کرد. تحلیل این سطح از چالش‌ها به این دلیل است که یافته‌های سطح دوم هرچند بر بخش مهمی از عوامل و مؤثر بر چالش تأکید دارند اما مطالعه روند این چالش طی چهار دهه گذشته نشان داده که تأکید صرف بر این عوامل نتوانسته تبیین جامعی از علل چالش را ارائه دهد و به حل مسئله بیانجامد. لذا باید به لایه عمیق‌تر این چالش که نوعی پدیده پیچیده انسانی-سیاسی است توجه کرد. اصولاً یکی از عناصر مهم و مؤثر بر کنش‌های انسانی، نوع جهان‌بینی و گفتمان ناشی از آن است. لذا بدون توجه به نوع رویکرد آمریکا و ایران به جهان و دیگر کشورها و تصور آن‌ها از نظم مطلوب هرگونه تحلیل در خصوص چرایی تداوم این چالش ناقص خواهد بود،

فلذا در سطح سوم به تحلیل جهانی بینی و گفتمان سیاسی طرفین این منازعه می‌پردازیم تا سطح عمیق‌تری از علل را نیز مورد واکاوی قرار دهیم.

اصولاً آمریکا و ایران مبتنی بر دو رویکرد هویتی به دنبال تحقق آرمان جهانی خود بوده و مبتنی بر آن دو رویکرد به جهان و نوع مواجهه با دیگران دارند که این دو آرمان به دلیل اصطکاک با یکدیگر در تقابل قرار دارند و این تقابل را می‌توان یکی از عوامل مهم بنیادین در تداوم چالش بین دو کشور دانست.

در توضیح این بحث باید گفت، بسیاری از محققان با توجه به شواهد تاریخی معتقدند که از آغاز تأسیس آمریکا توسط بنیانگذاران آمریکا تا کنون رؤیای بزرگ آمریکایی برای عملیاتی کردن هژمونی آن کشور در جهان و بازتولید فرازمینی و فضایی آن گفتمان مسلط بوده و تا حدی نظم موجود جهانی با پشتیبانی آمریکا مبتنی بر این نگاه شکل گرفته و دکترین‌های مختلف سیاست خارجی آمریکا در راستای این گفتمان مسلط تعریف شده است. فروپاشی شوروی در ۱۹۸۰، راه برای حرکت آمریکا بسوی تحقق این آرزوی تفوق بر جهان مهیا شد و یکجانبه‌گرایی تسریع شد و گفتمان رؤیای بزرگ آمریکایی برای عملیاتی کردن هژمونی آمریکایی در جهان و بازتولید فرازمینی و فضایی آن از ۱۹۸۰ تاکنون تداوم یافته است. لذا در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به صورت خاص گفتمان سیاست خارجی آمریکا در این راستا صراحت بیشتری به خود گرفت و حرکت تهاجمی خود را در قالب الفاظ حملات پیش‌دستانه و مبارزه با شرور و دولت‌های شیطانی در جهان آغاز کرد و وارد دوران جدیدی شود که در حمله به عراق تجلی یافت.

در واقع این رویکرد موجب می‌شود تا آمریکا در سراسر جهان از جمله خاورمیانه به دنبال رفع همه موانع موجود بر سر راه بسط قدرت خود در جهان باشد. به عبارت دیگر، در خاورمیانه تنها دوران جدید تنها منافع آمریکا در نفت ختم نمی‌شود، بلکه بسط رهبری جهانی آمریکا نیز از اهداف اولیه است. لذا آمریکا برای این بسط قدرت از جنگ، نظامی‌گری، تجارت، رسانه، بسط ارزش‌های آمریکایی و استفاده کرده تا با کمترین هزینه بتواند به این هدف رسد و در این راستا دو جریان قدرتمند عرصه سیاسی آمریکا بر ضرورت بازسازی قدرت هژمونیک آمریکا در جهان اجماع دارند، هر چند در مورد تاکتیک رسیدن به این هدف دو رویکرد یک‌جانبه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی (با همکاری نهادها و نظام بین‌الملل و کشورهای دوست) وجود دارد که هر یک استدلال‌های خود را

مطرح می‌سازند.

بر اساس این نگرش به نقش آمریکا در جهان، گفتمان سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه و به صورت خاص نسبت به ایران شکل گرفته است و محور دکترین امنیت ملی ایالات متحده آمریکا در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب ایران از دهه ۱۹۸۰ به بعد همچون سیاست آن کشور در قبال مناطق مختلف دیگر جهان (مانند افغانستان، نیکاراگوئه و...) و نوع مواجهه با دولت انقلابی در ایران نیز در این راستا بود از تحدید نفوذ منفعلانه به سیاست تهاجمی تر «آزادسازی» تبدیل شد. ولذا آمریکا در این سال‌ها تلاش نمود تا از طرق مختلف انقلاب ایران را تضعیف نموده و یا استحاله و در راستای منافع خود به آن جهت دهد و هنگامی که با مانع مواجه شد به اقدامات براندازی روی آورد تا مانع پیشروی تسلط خود بر منطقه را از بین ببرد. لذا مبتنی بر این جهان‌بینی و گفتمان، ایران را در اسناد امنیت ملی خود به عنوان یک تهدید مطرح ساخت و از واژه‌هایی همچون تروریسم، مخالف و مانع صلح در خاورمیانه و تهدید برای کشورهای عرب منطقه و... یاد کرده است. در این رویکرد به جهان، گفتمان حاکم نسبت به ایران گفتمانی مبتنی بر مانع بودن ایران برای سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا است که مبتنی بر جهان‌بینی آمریکایی در سیاست خارجی باید این مانع برداشته شود و مهم‌ترین مصادیق مانعیت ایران برای منافع آمریکا در تهدیدکننده بودن ایران نسبت به امنیت اسرائیل و حمایت از مقاومت فلسطین که از آن به عنوان تروریسم یاد شده نمود پیدا کرده، هر چند تهدیدات دوستان آمریکا در منطقه نیز مورد اشاره قرار گرفته است. به بیان دیگر، آمریکا ایران را نوعی تهدید برای پیشبرد اهداف منطقه‌ای خود به عنوان یک قدرت هژمون و قدرتی که بایست منافع آن توسط همه کشورهای منطقه تأمین شود می‌داند و مبتنی بر جهان‌بینی خود، مقابله با این موانع را حق خود قلمداد می‌کند. این نوع نگرش، در مقابل نوع نگرش رهبران انقلاب ایران به جهان و گفتمان استقلال‌طلبانه رهبران انقلاب ایران در سیاست خارجی قرار گرفته است. رهبران انقلاب ایران نظام موجود بین‌الملل را به دلیل تضعیف استقلال و برابری کشورها نقد کرده و خواستار اصلاح آن مبتنی بر روابطی برابر و خارج از هرگونه سلطه‌جویی بودند. آن‌ها جهان را اردوگاه دو جبهه مستکبران و مستضعفان می‌دانستند که اقلیت مستکبران ناصالح در عالم با داشتن برتری اقتصادی، نظامی و تکنولوژیک در تلاش برای برتری جویی و استضعاف اکثریت ملل می‌باشند و به گفته امام خمینی «امروز دنیا گرفتار

این دو قطب فاسد است». از دیدگاه امام خمینی نحوه توزیع قدرت در ساختار سیاسی روابط بین الملل، نابرابر و ناقض حقوق ملت‌ها و کشورهای ضعیف است و آنچه در نظام بین الملل رخ داده ناشی از روابط سیاسی نابرابر و اعمال سلطه و نفوذ قدرت‌های بزرگ و وابستگی سیاسی کشورهای تحت سلطه است. (امام خمینی، ج. ۱۸، ۱۳۷۸ ص ۲۰۶) با توجه به این ساختارها و قواعد موجود، سیستم حاکم بر نظام جهانی کارکرد مطلوب را ندارد و نمی‌تواند عدالت، صلح و امنیت جهانی را به ارمغان آورد و در مغایرت با رسالت و آرمان مطلوب انقلاب اسلامی است.

همین نقدها را در سخنان آیت الله خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی نیز به خوبی می‌توان دید. وی معتقد است که «در روی زمین، ملت‌ها به دو گروه تقسیم بشوند: یک گروه سلطه‌گر، و یک گروه سلطه‌پذیر. که ریشه بخش عمده مشکلات بسیاری از کشورهای جهان در سلطه‌گری کشورهای بزرگ است. ایشان سلطه‌گری در نظام بین‌الملل را یک جبهه می‌داند و معتقد است که انقلاب ایران بر اساس بنیان‌ها و اهداف و آرمان‌های خود نمی‌تواند این سلطه‌طلبی را بپذیرد یا با آن مماشات کند و هویت انقلاب ایران ایجاب می‌کند که در مقابل این جریان استکباری در نظام بین‌الملل مقاومت کند. ایشان رسالت انقلاب اسلامی را مبارزه با سلطه‌طلبی استکبار می‌داند، و معتقد است که چالش اساسی انقلاب عبارت است از اینکه انقلاب یک نظم جدیدی را برای بشریت ارائه کرده است. اگر بخواهیم آن پیام را در شکل اجتماعی و انسانی آن در یک جمله بیان بکنیم: مقابله‌ی با نظام سلطه است؛ این پیام انقلاب است و یکی از عناصر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، «بی‌اعتمادی مطلق به قدرت‌های سلطه‌گر جهانی» است. و تأکید می‌کند که: «ما با نظام ارباب- رعیتی در سطح جهان مخالفیم؛ ما با نظام سلطه مخالفیم. اساس سیاست خارجی ما این است... ما این فکر را در دنیا ترویج و منعکس می‌کنیم و بر اساس آن کار می‌کنیم؛ این اساس سیاست ماست» (بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه، ۸۳/۵/۲۵).

مبنتی بر این مباحث باید گفت که تقابل دو نوع جهان‌بینی و دو گفتمان ناشی از آن در نظام بین‌الملل از سوی ایران و آمریکا منجر به دو گفتمان و دو نوع رویکرد متفاوت و در تقابل به روابط بین‌الملل شده و تقویت عناصر قدرت در ایران انقلابی زمینه‌ی ستیز بیشتر این دو گفتمان را تشدید کرده، که طی چهل سال گذشته لایه پنهان این چالش‌ها را شکل داده است.

۴-۴- اسطوره‌های بنیادین شکل‌دهنده چالش

اسطوره‌ها ایدآل‌های نهفته در پس‌وپشت جهان‌بینی و گفتمان‌ها را توضیح می‌دهد و توضیح می‌دهد که چرا آرمان آمریکایی به عنوان نوعی نگاه به خود و دیگری در آمریکا مطرح می‌شود و چرا استقلال‌طلبی و مقاومت در مقابل سلطه‌جویی در ایران گفتمان غالب شده و چرا ایران انقلابی بر آن اصرار دارد و نمی‌تواند تن به مناسبات دیگری در مواجهه با آمریکا بدهد و اینکه چرا ایران و آمریکا نمی‌توانند به آسانی این نوع نگاه و رویکرد خود را تغییر دهند و چرا گفتمان‌ها و جهان‌بینی‌های موجود در دو کشور شکل گرفته است.

منظور از اسطوره در این بحث نه یک موجود تخیلی و غیر واقعی، بلکه به معنای واقعیت‌های پنهان در ورای واقعیت‌های مکشوف است و برای هر تغییر بنیادی نیازمند تغییر در سرایش داستان‌های جدید اسطوره‌ای و هویت‌ساز خواهیم بود. برای مطالعه اسطوره‌های مؤثر بر چالش روابط ایران و آمریکا باید به این اسطوره‌ها توجه کرد؛ زیرا اصولاً این عناصر هویت‌ساز که در قالب اسطوره‌های ملی تجلی کرده‌اند، نقش اصلی را در دو گفتمان حاکم و رقیب در دو کشور شکل داده‌اند. اسطوره‌های مؤثر بر چالش ایران و آمریکا را می‌توان در دو اسطوره مهم مطرح ساخت که عبارتند از: استثنایی‌گرایی آمریکایی و رسالت‌گرایی در انقلاب ایران که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم:

استثنایی‌گرایی^۱ به معنای قائل بودن به ظرفیت‌های ممتاز و برتر در یک فرد، ملت یا یک قلمروی جغرافیایی در مقایسه با دیگران اشاره دارد و به برتری ایده اثر تمدنی، نظام سیاسی و یا مدل مدیریتی و شهرسازی مربوط می‌باشد. طی چند دهه گذشته مطالعات متعددی به استثنایی‌گرایی آمریکایی اختصاص یافته‌اند و تلاش کرده‌اند این اسطوره ذهنی آمریکایی و نقش آن در سیاست‌های آمریکا تحلیل کنند. در این راستا برخی محققان به بررسی عام استثنایی‌گرایی آمریکایی (کامن، ۱۹۹۳) و پاسخ دادن به پرسش‌های عام همچون «آیا آمریکا متفاوت است؟» (شافر، ۱۹۹۱) پرداخته‌اند. برخی محققان تلاش کرده‌اند مبتنی بر این اسطوره ذهنی اقدامات آمریکا و از جمله بی‌توجهی آمریکا به قوانین و مقررات بین‌المللی را

¹ Exceptionalism

تحلیل کنند (هاژن، ۲۰۱۲)، و یا به رابطه بین استثنائگرایی آمریکایی و سیاست خارجی این کشور (رستاد، ۲۰۱۲) و رابطه استثنائگرایی و سلطه آمریکا (نایاک، ملون، ۲۰۰۹) و یا رابطه بین مفهوم استثنائگرایی آمریکایی و مسایل سیاسی داخلی آمریکا (هوکسن، مک کوی، ۲۰۱۲) بپردازند.

آمریکائگرایی استثنائگرایانه، آمریکا را به عنوان تمدن برتر و نظام سیاسی متمایز و بهتر معرفی می کند و مبتنی بر این نوع نگاه از تاریخ تمدن بشر و پیشرفت های اجتماعی، علمی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و تصویرسازی و روایت سازی می کند. استثنائگرایی ابتدا در قالب فرهنگی مذهبی ظاهر شد (مک ایووی، ۲۰۰۱). به این معنا که مهاجران اروپایی که به ابتدا به آمریکا مهاجرت کردند عمدتاً پاکدینانی بودند که با این باور مذهبی که از «اروپای فاسد به قاره آمریکای شمالی برای یافتن محل زیست جدیدی مهاجرت می کنند، در قاره جدید ساکن شدند. (آگوستین، دس و ژاپن ۲۰۱۳) و اروپاییان را دعوت می کردند که به آمریکا، سرزمین موعود الهی، سفر کنند و در آن جا «شهری بر بلندی» بسازند تا منظر مردمان جهان باشد. مهاجران قاره آمریکا حتی این باور را گسترش می دادند که دارای مأموریتی الهی هستند که قاره را اشغال کنند تا «برکت مسیحیت و آزادی های مدنی و مذهبی» را در آن گسترش دهند (هارنت، ۲۰۱۳).

از بعدی دیگر، استثنائگرایی آمریکا کاملاً قدرت گراست و هم زمان تلاش می کند از ابعاد قدسی و حقوق بشری بر گسترش سلطه استثنائگرایانه خود بهره گیرد؛ دولت آمریکا این باور را دارد که ایالات متحده از دو بعد در جهان جایگاهی استثنایی دارد؛ اولاً آنکه آمریکا به عنوان یک ابر قدرت که موقعیت آن تقریباً از هر جهت - اقتصاد و رفاه اجتماعی تا اخلاق و ارزش های انسانی - به شدت از کشورهای دیگر بهتر است؛ ثانیاً آمریکاییان دارای یک مأموریت خود خواسته برای نجات جهان می باشند. (عاملی، ۲۰۰۲) ضمناً آمریکاییان، استثنائ بودن این کشور را تنها از نظر جایگاه (مثلاً به معنای بهتری قوی تر بودن) نمی بینند، بلکه آن را دارای حقوق استثنایی نیز معرفی می کنند؛ از جمله این حق که می تواند حوزه قدرت و نفوذ خود را به هر طریقی افزایش دهد و این تفکر سلطه آمریکا را در خارج از مرزهایش توجیه کند و می گوید ما استثنایی هستیم، پس هر کاری که انجام می دهیم، اخلاقی است. (مدسن، ۱۹۹۸) این تعریف خودش را کامل می کند و اظهار می کند که تمام سیاره زمین متعلق به آمریکاست. بر این اساس می توان گفت که جهان بینی و گفتمان حاکم بر سیاست

خارجی آمریکا تحت تأثیر این اسطوره متضمن رگه‌هایی از انقلابی‌گری ظریف تاریخی است به این معنا که واقع‌گرایی آمریکا ذاتاً با آرمان‌گرایی و تلاش برای هژمونیک کردن آرمان آمریکایی در جهان در هم آمیخته است و مبتنی بر آن به دنبال گسترش سیطره بر جهان و خاورمیانه است و این واقعیت جوهره تلاش‌ها در مقابل ایران را تشکیل می‌دهد؛ به بیان دیگر ایران انقلابی را عنصر مزاحمی می‌داند که در مقابل این سلطه‌طلبی مقاومت کرده و دیگران را نیز به مانع‌تراشی وادار می‌کند و لذا از بین بردن این بازیگر سرکش به‌عنوان مانع هژمونیک شدن نفوذ آمریکا در منطقه و سیاست‌های کلان آن شده است.

اما در مقابل می‌توان با تساهل مفهومی از اسطوره دیگری در ایران بعد از انقلاب سخن گفت که در مقابل استثناگرایی آمریکایی قرار دارد و آن را «اسطوره رسالت انقلابی» در ایران دانست که مبتنی بر آن رهبران انقلاب اسلامی ایران این انقلاب را صرفاً یک تحول سیاسی و تغییر رژیم نمی‌دانند، بلکه برای خود یک رسالت انقلابی در عرصه بین‌الملل قائلند و در دراز مدت به عنوان یک آرمان مطلوب به دنبال تحولی جهانی و تغییر در مناسبات سکولار جهان و خلق یک عالم جدید و دینی می‌باشند.

اصولاً ماهیت انقلاب اسلامی ایران و ریشه‌ها و دلایل وقوع آن، از موضوعات مورد بحث انقلاب‌پژوهان بوده است هرچند عوامل کارگزاری و ساختاری در کوتاه‌مدت و میان‌مدت، نقش مهمی در شکل‌گیری انقلاب داشتند اما در کنار این دو سطح از علل، سطح سوم بلندمدتی هم وجود دارد که از اهمیت بسیاری برخوردار است تا آنجا که حتی انقلابی شدن کارگزاران و نقد ساختارها را باید بر اساس آن تفسیر کرد و آن «لایه تمدنی، هویتی و فرهنگی» است. اصولاً هویت و فرهنگ است که به ساختارها و کارگزاران شکل می‌دهد، اینکه چرا مردم از بین رهبران مخالف، امام خمینی را به‌عنوان رهبر انتخاب کردند؟ چرا انقلاب ایران «اسلامی» شد؟ چرا کمونیستی یا لیبرالیستی نشد؟ همه اینها به لایه چهارم یعنی بحث هویت و فرهنگ برمی‌گردد. بنابراین، این لایه چهارم لایه بسیار مهم و اسطوره‌سازی است. اساساً تصور از مشکلات ساختاری و همچنین پذیرش کارگزاران انقلاب در راستای هویت و فرهنگ غالب شکل گرفت و کارگزاران در شیاری که هویت ایجاد کرده بود، جاری شدند. کسی در ایران بر اساس شعارهای کمونیستی نمی‌توانست انقلاب کند چون شیار و بستر آن فراهم نبود و رهبری امام خمینی و ماهیت اسلامی انقلاب ایران به صورتی طبیعی از این

شیار و این هویت و فرهنگ دینی متولد شدند.

فهم دقیق این لایه پنهان، نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی ایران به دنبال احیاء ایده‌آل‌هایی نهفته‌ای است که از این هویت ریشه می‌گیرد و شکل‌گیری نظام سیاسی دینی ابزاری برای این امر است. مبتنی بر این رویکرد، هویت اسلامی - شیعی به عنوان جوهره فرهنگی هویتی ایرانیان مهم‌ترین عامل کنش‌ورزی در عرصه سیاسی در قرون گذشته بوده و نقش مؤثری در شکل‌گیری انقلاب ایران داشته است که این هویت بر بنیان‌های آموزه‌های فقهی - کلامی شیعی استوار می‌باشد. لذا در عرصه فقهی بر بنیاد مفاهیم مختلفی استوار شده است که این مفاهیم مبنای عمل سیاسی می‌باشند از جمله این مفاهیم اصل «نفی سبیل»، «عدم پذیرش ظلم»، «تولی و تبری»، «برادری اسلامی» و ... می‌باشد که بر اساس این آموزه‌های فقهی، مسلمانان مکلف به حفظ استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود بوده و باید با وحدت و اتحاد از هویت دینی خود محافظت کنند و در این راستا عاشورا و واقعه کربلا در سال ۶۰ هجری الگوی مقاومت‌ورزی در مقابل ظلم و عدم سازش‌پذیری با ظالم حتی به قیمت پذیرش شهادت می‌باشد، لذا این اصول همواره نقش مؤثری در نوع تعامل ایرانیان مسلمان با بیگانگان و نوع کنش‌ورزی آن‌ها در عرصه سیاسی از جمله در مقابل سلطه‌جویی آمریکا داشته است. اما در کنار این بنیان‌های فقهی هویت‌ساز باید به بنیان‌های کلامی همچون همچون بحث امامت، مهدویت و عدالت و آرمان جهانی اسلام نیز اشاره داشت که موجب شده تا به دنبال مدینه فاضله‌ای با عنوان جامعه مهدوی که جوهره آن را عدالت با رهبری انسانی صالح تشکیل می‌دهد و تلاش برای تحقق آن باشند. اصولاً قرآن دین اسلام را دینی جهانی و رحمتی برای جهانیان و دعوتی جهانی برای همه بشر معرفی می‌کند و از مسلمانان می‌خواهد تا از طریق دعوت دیگران را به اسلام فرا خوانند که به معنای آن است که ایده‌آل جهانی اسلام جامعه‌ای مبتنی بر اعتقاد به دین می‌باشد که این مفاهیم کلیدی نوع نگاه انقلابیون شیعی در ایران را نسبت به سمت و سوی حرکت تاریخ و همچنین ایدآل‌های آن‌ها شکل داده است و این تفکر بر نوع نگاه آن‌ها به پیشرفت و آینده نقش مهمی دارد و لذا آن‌ها وضع موجود غربی شدن و سکولار شدن جهان را نقد کرده و تمدن غربی و مخصوصاً آمریکایی را نوعی تمدن جاهلی و منحط می‌دانند که مبتنی بر قرائت و فهمی ناقص از نیازها و ماهیت بشر است. و لذا خودبرت‌پنداری آمریکایی را مردود دانسته و به دنبال تحولی اساسی در آن در

آینده تاریخ به عنوان یک رسالت انقلابی می‌باشند. ولذا انقلاب ایران اسطوره استثنائگرایی و منجی‌گری آمریکایی را بر جهان نمی‌پذیرد و به دنبال خلق عالمی جدید مبتنی بر دین و حاکمیت صالحان در جهان با کمک مسلمانان و مستضعفان عالم و به عنوان یک آینده مطلوب و تغییر در وضعیت موجود است و این چالش اسطوره‌ها در سطوح پنهان واقعیت و پیامدهای عملی آن‌ها در عرصه سیاست که از طریق اقدامات دولت‌ها انجام می‌شود، یکی از عوامل مهم بنیادین استمراردهنده در چالش بین ایران و آمریکا می‌باشند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد:

- علل چالش بین ایران و آمریکا را در سطح رویین و قابل مشاهده می‌توان از یکسو در اقدامات و از سوی دیگر در سیاست‌های اعلامی طرفین به وضوح رصد کرد. به طوریکه از همان ابتدا از یکسو تحت تأثیر مواضع دو پهلوی دولت آمریکا و دخالت آن کشور در ایران، و از سوی دیگر تحت تأثیر اقداماتی همچون اشغال سفارت آمریکا از سوی دانشجویان ایرانی است ایران معتقد بود که آمریکاییان تلاش می‌کنند تا مجدداً طرفداران خود را در ایران به قدرت برسانند و با اعمال فشار بر ایران از طریق تحمیل جنگ و گسترش تروریسم و ایجاد جنگ داخلی، کودتا و تحریم اقتصادی و تهدید به حمله نظامی به تضعیف انقلاب ایران کمک کنند. و آمریکا نیز با اتهام‌های مکرر به ایران مبنی بر مخالفت با روند صلح خاورمیانه و حمایت از تروریسم تلاش نمود تا با ایجاد تحریم‌های گسترده و ممانعت از رشد علمی و تکنولوژی ایران از جمله دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای و ایجاد وقفه در برنامه رشد توسعه همه‌جانبه نظام انقلابی و اسلامی ایران فضای منازعه مستمری را به وجود آورد و در نهایت حتی هنگامی که برجام بین طرفین به امضا رسید خروج غیر متعارف ترامپ از این توافق زمینه منازعه را توسعه داد و در واقع سطح ظاهری، وجود چالش عمیق و دامنه‌دار و مستمر در روابط بین ایران و آمریکا طی چند دهه گذشته می‌باشد. اما در کنار اقدامات در جریان مذکور دو طرف نیز به تشریح سیاست‌های اعلامی و صریح خود در مقابل طرف دیگر پرداخته و دیگری را دشمن خود دانسته‌اند و این تلفیق چالش‌گفتمانی و عملی به شدت فضای تخاصمی بین طرفین را تقویت نموده و تداوم بخشیده است.

- برای فهم دقیق‌تری از علل تداوم چالش، محققان و کارشناسان عمدتاً دانشگاهی به تبیین علل تجربی در لایه‌های عمیق‌تر همچون علل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی می‌پردازند و در آن‌ها عمدتاً علل عینی مؤثر بر چالش (همچون منافع طرفین و یا بازیگران دیگر در این چالش و یا مؤلفه‌های قدرت) و یا علل ذهنی مانند (تصورسازی‌های ذهنی از یکدیگر) توجه کرده و مبتنی بر این علل به تحلیل چالش می‌پردازند. اما برای فهم عمیق‌تر دلایل تداوم چالش، پژوهشگران به بررسی عوامل تجربی و منافع مؤثر بر چالش همچون عوامل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پرداخته‌اند و در این پژوهش‌های دانشگاهی، علل مختلف دسته‌بندی و در قالب سه دسته علل شناسایی شده است؛ در بخشی از این آثار اقدامات ایران به‌عنوان علل تداوم چالش ذکر شده است. در بخش دوم به اقدامات آمریکا به‌عنوان عامل مؤثر بر تداوم چالش‌ها پرداخته شده است. و در نهایت، در سومین دسته به علل متأثر از اقدامات کشورهای دیگر به خصوص اقدامات اسرائیل و برخی دولت‌های ثروتمند عرب اشاره شده است.

- سطح سوم تحلیل علی چالش‌ها را باید در لایه‌های زیرین و در سطح جهان‌بینی، گفتمان‌ها و آرمان‌های بنیادین جستجو کرد. که موجب دو نوع گفتمان و رفتار متفاوت از سوی آمریکا و ایران در عرصه جهانی موجود شده است که می‌توان آن‌ها را تلاش برای تحقق رویای بزرگ آمریکایی در جهان و آرمان استقلال‌طلبی و مقابله با سلطه‌طلبی ایرانی دانست که تقویت عناصر قدرت در ایران و هم‌آوردجویی ایران در مقابل قدرت مسلط آمریکا، این مباحث و چالش‌های گفتمانی را به چالش‌های میدانی تبدیل کرده است.

- و در نهایت در عمیق‌ترین سطح علل به اسطوره‌ها ایدئال‌های نهفته در پس‌پشت جهان‌بینی و گفتمان‌ها پرداخته شد که به دلیل وجود آن‌ها گفتمان‌ها شکل گرفته و تثبیت شده‌اند. مبتنی بر یافته‌های این پژوهش اسطوره‌های مؤثر بر چالش ایران و آمریکا را می‌توان در دو اسطوره مهم یعنی استثنایی‌گرایی آمریکایی و رسالت انقلابی در ایرانی اشاره شد. دولت آمریکا این باور را دارد که ایالات متحده به‌عنوان یک کشور برتر و ابر قدرت دارای یک مأموریت خود خواسته برای نجات جهان و دارای حقوق استثنایی و حق تسلط بر جهان می‌باشند. (عاملی، ۲۰۰۲) که این اسطوره متضمن رگه‌هایی از انقلابی‌گری ظریف تاریخی است به این معنا که واقع‌گرایی آمریکا ذاتاً با

آرمان‌گرایی و تلاش برای هژمونیک کردن آرمان آمریکایی در جهان در هم آمیخته است و مبتنی بر آن به دنبال گسترش سیطره بر جهان و خاورمیانه است. در مقابل رهبران ایران انقلابی نیز به دلیل هویت خاص خود تحت تأثیر تجربه تاریخی و آموزه‌های اسلامی شیعی همچون مهدویت، عدالت، مقابله با ظلم و عاشورا و نفی سبیل، به دنبال خلق عالمی جدید مبتنی بر دین و حاکمیت صالحان در جهان به عنوان یک آینده مطلوب می‌باشد. ولذا مبتنی بر این بنیادها، وضع موجود جهان را مطلوب نمی‌داند و اسطوره استثنانگرایی و منجی‌گری آمریکایی را بر جهان نمی‌پذیرد و حاضر به پذیرش هژمونی آمریکا در منطقه نیست و به دنبال تغییر در مناسبات قدرت موجود در جهان در راستای نظامی عادلانه و مبتنی بر پذیرش برابری و حق تعیین سرنوشت کشورها است و این چالش اسطوره‌ها در سطوح پنهان واقعیت و پیامدهای عملی آن‌ها در عرصه سیاست که از طریق اقدامات دولت‌ها انجام می‌شود، یکی از عوامل مهم در تداوم چالش بین ایران و آمریکا می‌باشند.

– راهبردها

با توجه به علل عمودی مذکور که در لایه‌های مختلف مؤثر بر شکل‌گیری پدیده استمرار منازعه ایران و آمریکا مطرح گردید، می‌توان برای رفع چالش مبتنی بر علل موجوده در هر لایه راه‌حل مناسب ارائه کرد که راهبردهای مطرح‌شده ناظر بر دو بعد قابل ارائه می‌باشند؛ نخست راهبردهایی که به صورت کوتاه‌مدت و برای کاهش سطح تنش میان ایران و آمریکا قابل طرح هستند و هدف از آن‌ها امتناع از تشدید تنش‌های فی‌مابین و خلق چالش‌های جدید است؛ و دوم، راهبردهایی که به علل چالش در سطوح گفتگویی و نظام استعارگی بازمی‌گردد که با توجه به بنیادی بودن ریشه‌های چالش، ناظر به تباینات ساختاری و کارگزاری انقلاب اسلامی با منطق هژمون‌طلبی ایالات متحده بازمی‌گردد، لذا عموماً این دسته از راهبردها، به صورت کلان و بلندمدت مطرح می‌شوند. در این راستا در سطح لیتانی و چهره‌ظاهری چالش، مدیریت اطلاعات و تبلیغات و ذهنیت عمومی از پیشینه، ابعاد و چگونگی شکل‌گیری این چالش و استفاده مدیریت خبری و رسانه‌ای از اهمیت خاصی برخوردار است. همچنین در کوتاه‌مدت و میان مدت ابعادی از این چالش که مبتنی بر تصمیمات کارگزاری و یا منافع مقطعی دو طرف بوده و در سطح علل تجربی بر آن‌ها تأکید می‌شود، قابل مدیریت می‌باشد که با بهره‌گیری از راهبردها و توصیه‌های کارشناسان و محققان، و استفاده توأمان از عناصر قدرت و

مصلحت می‌توان چالش را مدیریت کرد و با ایجاد پشتوانه قدرتی در داخل کشور و استفاده از ابزار دیپلماسی و مذاکره هوشمند، این چالش‌ها را کم‌اثر ساخت.

اما به دلیل تفاوت‌های بنیادی در عرصه جهان‌بینی و گفتمانی و اسطوره‌ای، تا زمانی که دو طرف با حفظ هویت‌ها و اسطوره‌های موجود، بر پابندی به این نوع رویکرد به جهان و گفتمان ناشی از آن پایبند می‌باشند، حل این چالش‌ها با چشم‌انداز روشنی مواجه نیست. به بیان دیگر، هرچند می‌توان در حوزه‌های رویین این چالش که مبتنی بر تصمیمات کارگزاری و یا منافع مقطعی دو طرف است، آن را مدیریت کرد و به راه‌حلی نیز دست یافت اما این چالش به دلیل پیوند خوردن با عناصر هویتی در دو کشور چالشی دیرپا است که، با فرازونشیب با محوریت موضوعات مختلف می‌تواند باز تولید شده و ادامه یابد و کاهش و حل منازعه از منظر منافع جمهوری اسلامی ایران با حفظ هویت انقلابی، در لایه‌های زیرین نیازمند اقداماتی بلندمدت برای تغییر در جهان‌بینی و اسطوره‌های آمریکایی و تغییر در نوع نگرش آمریکا به جهان و ایران و استقبال از هرگونه تغییر در مناسبات قدرت در جهان و تضعیف برتری این کشور در عرصه بین‌المللی خواهد بود.

منابع

- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله (۱۳۸۷). «فضای سیاسی خاورمیانه و نگرش‌های تعامل یا تقابل‌جویانه آمریکا و ایران». مطالعات سیاسی، شماره ۱.
- احمدیان، قدرت؛ ابوالفتحی، محمد؛ چراغی، حمیدرضا (۱۳۹۸). «بررسی الگوهای مدیریتی در ایران و آمریکا در تداوم منازعات بین دو کشور». پژوهش‌های راهبردی انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۷.
- اخباری، محمد؛ عبدی، عطاءالله؛ مختاری، حسین (۱۳۹۰). «ژئوپلیتیک ایران و تلاش‌های آمریکا برای تثبیت هژمونی خود در جهان (مورد مطالعه: طرح خاورمیانه بزرگ)». پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۵.
- اسدی، علی اکبر (۱۳۹۳). «ایران و آمریکا در عراق: تنوع کنش‌ها». روابط خارجی، شماره ۴. اسلامی، محسن؛ نقدی، فرزانه (۱۳۹۵). «ابزار تحریم و سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران». فصلنامه روابط خارجی، سال هشتم، شماره چهارم، صص. ۷۱-۳۷.
- اعجازی، احسان؛ قربانی، ارسلان؛ سیمبر، رضا؛ جانسیز، احمد (۱۳۹۷). «نقش‌کنگره ایالات متحده در سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران». رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال نهم، شماره ۳. امینیان جزئی، بهادر؛ عسگریان، محسن؛ توتونچی، عباسعلی (۱۳۹۱). «تحلیل تئوریک جایگاه انواع دیپلماسی اجبارآمیز در سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران». پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هشتم، پیاپی ۲۹.
- ایزدی، فؤاد (۱۳۹۱). «شبکه بررسی مسائل ایران و آمریکا در سیاست‌های ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی». روابط خارجی، سال چهارم، شماره ۳.
- آرین‌منش، محمد؛ جوانشیری، احمد؛ مدیر‌شانه‌چی، محسن (۱۳۹۷). «عوامل مؤثر بر مناسبت ایران و آمریکا». دوفصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل، سال دوم، شماره ۲، صص. ۳۰-۹.
- بهرامی‌مقدم، سجاد (۱۳۹۷). «همکاری و تعارض منافع ایالات متحده آمریکا - عربستان در خاورمیانه». پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال هفتم، شماره ۲۶.
- ترکاشوند، جلال؛ مرادی، بهرام (۱۳۹۰). «ساختار نظام بین‌الملل و چگونگی برخورد با قدرت

- هسته‌ای ایران و رژیم صهیونیستی». مدیریت نظامی، سال یازدهم، شماره ۴۱.
- توتی، حسینعلی؛ کریمی، غلامرضا (۱۳۹۷). «نظم سیاسی امنیتی آمریکا در خاورمیانه و امنیت ملی ایران (با تأکید بر برجام)». پژوهش‌های دانش انتظامی، سال بیستم، شماره سوم، صص. ۱۴۳-۱۲۵.
- جمشیدی، محمد (۱۳۹۱). «جایگاه بازدارندگی متعارف در استراتژی دفاعی دولت باراک اوباما در قبال جمهوری اسلامی ایران». پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هشتم، شماره ۱.
- جمشیدی، محمد (۱۳۹۱). «مواجهه گفتمانی ایران و آمریکا: از بیداری اسلامی تا اشغال وال استریت». مطالعات جهان، دوره دوم، شماره ۱.
- چیت‌سازیان، محمدرضا؛ شفیعی، نوذر (۱۳۹۶). «چشم‌انداز روابط ایران و آمریکا تا سال ۲۰۳۰: سناریوهای ممکن». سیاست جهانی، دوره ۶، شماره ۴.
- دلاورپور، مصطفی؛ دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۷). «دیپلماسی تقنینی کنگره آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران». مجلس و راهبرد، سال بیست و پنجم، شماره ۹۶.
- ذاکریان، مهدی؛ مهدوی‌پور، راضیه (۱۳۹۵). «منزلت هژمونیک و موضع آمریکا در برابر «مسئولیت حمایت» در نظام بین‌الملل». پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره اول، صص. ۷۰-۴۱.
- سبزیان، علیرضا؛ موسوی، سیدمحمد (۱۳۸۸). «چالش‌های نظری در روابط ایران و آمریکا». فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱، شماره ۱.
- سجادپور، سیدمحمدکاظم؛ شریعتی، شهروز (۱۳۹۰). «گزاره ایران در روابط آمریکا و چین». ژئوپلیتیک، شماره ۲۲.
- سرخیل، بهنام؛ خزعلی، فاتن (۱۳۹۶). «تصویرسازی تهدیدانگار از جمهوری اسلامی ایران توسط ایالات متحده آمریکا». دانش سیاسی، سال سیزدهم، شماره دوم، پیاپی ۲۶، صص. ۱۳۳-۱۰۳.
- سلطانی‌نژاد، احمد؛ شاپوری، مهدی (۱۳۹۲). «ایران و آمریکا؛ چرخه منفی برسازگی و استمرار مناقشه هسته‌ای». روابط خارجی، سال پنجم، شماره ۱.
- سلیمی، حسین (۱۳۸۸). «رویکرد سازه‌انگاران به زمینه‌های اجتماعی روابط ایران و آمریکا». پژوهش‌نامه علوم سیاسی، شماره ۱۴.
- سیف‌زاده، حسین؛ ملکی سعیدآبادی، امید (۱۳۹۰). «چشم‌انداز ۲۰ ساله و سیاست خارجی

جمهوری اسلامی ایران؛ آینده‌پژوهی مناسبات ایران و آمریکا با بهره‌گیری از ریاضیات توزیع جایگشتی». فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره اول، صص. ۲۴۳-۲۰۹.

سیمبر، رضا (۱۳۸۹). «سیاست خارجی آمریکا و تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران». دانش سیاسی، دوره ۶، شماره ۲.

طالعی حور، رهبر؛ امید، علی؛ بصیری، محمدعلی (۱۳۹۵). «عوامل هویتی تعارض در روابط جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا». فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۴۵، صص. ۹۰-۷۱.

عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخزاده، محمد (۱۳۹۰). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد بر تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی». اندیشه مدیریت راهبردی، سال پنجم، شماره دوم، شماره پیاپی ۱۰: ۱۹۸-۱۵۱.

عبدخدایی، مجتبی؛ رحیمی‌نژاد، محمدعلی (۱۳۹۷). «راهبردهای ۴۰ ساله آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران». مطالعات انقلاب اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۵۵.

علیزاده، علی اکبر (۱۳۸۸). «ریشه‌های منازعه بین ایران و آمریکا». انسان‌پژوهی دینی، دوره ۶، شماره ۲۱.

فرقانی، محمدمهدی؛ مؤذن، کاظم (۱۳۹۴). «دولت یازدهم و دیپلماسی رسانه‌ای آمریکا؛ بررسی ابعاد و چارچوب‌های محتوایی سایت فارسی صدای آمریکا». مطالعات رسانه‌های نوین، سال اول، شماره ۲.

لطفی، حیدر؛ قندالی، محسن؛ پورمجلسی، مجید؛ رویان، محمود (۱۳۹۶). «تحولات سوریه و نقش راهبردی ایران: توزان منطقه‌ای و چشم‌انداز سیاست خارجی ایران». نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال نهم، شماره ۴.

لطفیان، سعیده (۱۳۸۵). «چالش‌های جدید امنیتی خلیج فارس: بررسی منافع مثلث ایران - آمریکا - شورای همکاری خلیج فارس». مطالعات خاورمیانه، سال سیزدهم و چهاردهم، شماره ۱ و ۴.

مافی، همایون (۱۳۸۷). «تحلیل بر عملکرد دیوان داوری دعاوی ایران و آمریکا». پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۲۴.

متقی، ابراهیم (۱۳۹۰). «نشانه‌شناسی رفتار سیاسی آمریکا در خاورمیانه (۲۰۱۱-۱۹۹۱)». فصلنامه مطالعات جهان، دوره اول، شماره ۱، صص. ۶۹-۴۵.

محمدی، حمیدرضا (۱۳۹۳). «تبیین قدرت و تأثیر آن بر سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران». ژئوپلیتیک، سال دهم، شماره ۳.

محمدی، حمیدرضا (۱۳۹۳). «تبیین نشانگان قدرت و تأثیر آن بر سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران». فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دهم، شماره سوم، صص. ۱۴۸-۱۲۲.

مشیرزاده، حمیرا؛ جعفری، هرمز (۱۳۹۱). «قدرت هژمون و دولت‌های انقلابی: مورد مطالعه موردی آمریکا و جمهوری اسلامی ایران». روابط خارجی، سال چهارم، شماره ۱.

مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۷). «سیاست مقایسه‌ای آمریکا در برخورد با ایران و امنیت منطقه خاورمیانه». ژئوپلیتیک، سال چهاردهم، شماره ۴.

منصوری، جواد (۱۳۸۸). «چالش‌های امنیتی ایران و آمریکا». مجله اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۶.

موسوی، سید محمدعلی؛ خدایی، اسفندیار (۱۳۹۵). «روابط آمریکا و چین در خلیج فارس: همکاری یا تقابل». روابط خارجی، سال هشتم، شماره ۱.

موسوی‌فر، رضیه (۱۳۹۵). «روابط ایران و آمریکا؛ مسئله اسرائیل». فصلنامه سیاست، دوره ۶، شماره ۲.

نظری، محمد؛ خالدی، حسین؛ دلالت، مراد (۱۳۹۵). «بررسی نرم افزارگرایی سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران از منظر پدافند غیرعامل». مطالعات قدرت نرم، شماره ۱۴.

واعظی، محمود (۱۳۸۹). «نقش قدرت‌های بزرگ در منطقه خلیج فارس و چالش‌های هژمونی آمریکا». روابط خارجی، سال دوم، شماره ۲.

Augusteijn, & et al., (2013). *Political Religion Beyond Totalitarianism: The Socialization Of Politics In the Age Of Democracy*, Basingstoke: Palgrave Macmillan.

Hartnett, S. J., (2013) *"The Folly of fighting for Providence or the End of Empire End of Empire and Exeptionalism"*, *Cultural Studies*, 13 (3): 201 -214

Hasian JR, M. (2012). "American Exceptionalism and the Bin Leden Raid", Third Wirlld Quarterly, 33 (10): 1803-1820.

Hooks, G., & Mc Quee, B., (2010). "American Exceptionalism Tension and the Underderdeveloped Welfare state", American Sociological Review, 75 (2): 185-204.

Inayatullah, S. (2004). The Causal Layered Analysis (CLA) Reader: Theory and Case Studies of an Integrative and Transformative Methodology. Tamkang University Press. 49 pp.

Madsen, D. L. (1998). American Exceptionalism, Edinburgh: Edinburgh University Press.

MCevoy, Levy, S., (2001). American Exceptionalism and US Foreign Policy –Public Diplomacy at the End of the Cold War, New York: Palgrave.

Nayak, M.V. & M Alone, C., (2009), "American Orientalism and American Exceptionalism: A Critical Rethinking of US Hegemony", International Studies Review, 11 (2): 253-276.

Skonieczny, A. (2001). "Constructing NAFTA: Myth, Representation, and Discursive Construction of U.S. Foreign Policy". International Studies, 45(3): 433-454.